



بازیکنانی که بازار نقل و انتقالات را منفجر خواهند کرد

جام جهانی کارخانه ستاره سازی



موافقت رئیس به تنهایی برای ابقای سرمربی قانونی نیست

قلعه نویی در اتاق انتظار



تیم ملی با محافظه کاری خدا حافظی می کند؛ سرمربی در آزمون بزرگ تغییر



تمایل استقلال و تراکتور به میزبانی در تاجیکستان

لیگ نخبگان با دردسرهای همیشگی



روایت مهدی طارمی از بوشهر تا جام جهانی

با آجر انتقاد زندگی ام را ساختم

هر لحظه از زندگی و هر تجربه ای باعث می شود بزرگتر شوی؛ چه خوب باشد و چه بد باشد، چه شکست بخوری و چه پیروز شوی. بنابراین این هم بخشی از زندگی من است که نمی توانم نادیده بگیرم



قاسمپور: مسئولان فوتبال به جای استعفا، طلبکارند

بدون برنامه نباید هم صعود می کردیم



اخباری و دقیقی سرمربی شدند باقری نه!

کریم دستیار ابدی پرسپولیس



درگیری لفظی مسی با داور پرتغالی

با من محترمانه صحبت کن!



سرمقاله

حفاظت از سرمایه اجتماعی فوتبال

مجید سلطانی
خبرنگار

حرف های هومن افاضلی مربی تیم ملی دردهای ما را بیشتر کرد. با هم این حرف ها را مرور می کنیم: ۱- وقتی جواد خیابانی برای صعود نکردن تیم ملی به افاضلی گفت اصلاً قرار نیست از مردم عذرخواهی کنید؟ افاضلی گفت: چرا عذرخواهی... و بعد انگار تازه متوجه شد حرف پدی زده است، گفت: من در فرودگاه از مردم عذرخواهی کردم.

به مربی تیم ملی می گویم با وجود همه محدودیت ها، ممنوعیت ها، همه نامردی های آمریکا به عنوان کشور میزبان، می توانستیم از این گروه صعود کنیم و اگر نگاهی عادلانه و بی طرف داشته باشیم متوجه خواهید شد که همین تیم با همین ظرفیت و همین وضعیت، می توانست از گروه صعود کند و در بند تفکر تاریخی و محصور و گرفتار شد که به دنبال تاریخ سازی و رزومه سازی بودند. اگر افاضلی و همکارانش در تیم ملی کمی منصف تر باشند، خواهند پذیرفت که برای صعود نکردن تیم ملی یک عذرخواهی به مردم بدهکارند.

۲- افاضلی گفت: در استادیوم لس آنجلس انگار تیم ملی در ورزشگاه آزادی بازی می کرد. تیم ملی ظرفیت بالایی دارد چون می تواند همه ایرانیان را در نقاط مختلف دنیا به هم وصل کند.

هیچ کس منکر این جمله نیست. اتفاقاً همه بر این حقیقت اصرار دارند که فوتبال و تیم ملی سرمایه اجتماعی است.

چون باور داریم این سرمایه اجتماعی ارزش بالایی دارد، می پرسیم: فدراسیون فوتبال و کادر فنی تیم ملی برای این سرمایه اجتماعی چه کردند؟

ما معتقدیم فوتبال و تیم ملی این رشته، سرمایه عظیمی هستند که باید مورد محافظت قرار گیرند؛ اما اینکه این گوهر ملی، مانند همه جواهرات مورد مراقبت قرار گرفته یا خیر، محل بحث است. ما به عنوان رسانه وظیفه داریم قدر این گوهر اجتماعی را بدانیم و از آن محافظت کنیم. معتقدیم تیم ملی باید تراش بخورد و جوان تر و شفاف تر و قدرتمند شود؛ اما شما و همکارانتان در تیم ملی موافق این ایده درست نیستید. تیم ملی را پیرترین تیم جام جهانی کردید و گویا قصد دارید همین تیم را به جام ملت ها هم ببرید. به نظرمی رسد ضرورت دارد هومن افاضلی در باب «سرمایه بودن» و «اهمیت داشتن» تیم ملی فوتبال، صحبتی هم با کادر فنی تیم ملی داشته باشد.

سوزه

روایت طارمی از بوشهر تا جام جهانی

باجرانقناد، زندگی ام را ساختم



مهدی طارمی درآستانه آغاز جام جهانی ۲۰۲۶ مقابل دوربین مستند «الجزیره» نشست و از مسیری گفت که او را از زمین‌های خاکی بوشهر به بزرگترین آوردگاه فوتبال جهان رساند. این گفت‌وگو که پس از حذف تیم ملی ایران از جام جهانی منتشر شده، نگاهی شخصی به دوران کودکی، سال‌های دشوار سربازی، مسیر حرفه‌ای و نگاه او به فوتبال، ایران و انتقادها دارد.

ستاره تیم ملی در ابتدای این گفت‌وگو با مرور خاطرات کودکی خود گفت فوتبال از همان سال‌های نخست زندگی، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی‌اش بوده است. او که در خانواده‌ای فوتبالی رشد کرده، توضیح داد: «از پنج، شش سالگی فقط توپ فوتبال را می‌دیدم. پدرم فوتبالیست بود، برادر هم فوتبال بازی می‌کرد و تمام فکر و ذکرم فوتبال بود.» طارمی همچنین از علاقه دوران کودکی‌اش به ژال مال دارید و رونالدو یرزلی یاد کرد و او را بهترین

بازیکن دنیا دانست. طارمی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تصویری که از ایران در خارج از کشور وجود دارد اشاره کرد و گفت بسیاری از مردم اروپا شناخت دقیقی از ایران ندارند. او تأکید کرد: «ایران برای ما عشق و علاقه است و از ما جدا نمی‌شود. همیشه سعی کرده‌ام واقعیت را درباره کشورم بگویم. ایران کشوری پهناور با فرهنگ‌ها و طبیعت متنوع است و دوست دارم مردم دنیا آن را همان‌گونه که هست بشناسند. من سال‌های زیادی است بازی می‌کنم و به کشورهای مختلف رفته‌ام. با مردم اروپایی زیاد صحبت کرده‌ام و شاید خیلی‌ها به خاطر مدیا، اطلاعاتی درباره ایران نداشته باشند. ایران، عشق و علاقه است چیزی است که ما با آن خو گرفته‌ایم. نمی‌تواند از ما جدا شود و ما هم نمی‌توانیم از ایران جدا شویم. به هم چسبیده‌ایم. ولی من همیشه یک مدلی درباره ایران صحبت می‌کنم و چیزی که واقعیت است را می‌گویم. ایران یک کشور پهناور است و در شمال، جنوب، شرق و غربش همه چیز وجود دارد.»

مهاجم تیم ملی سپس از سخت‌ترین مقطع زندگی فوتبالی خود سخن گفت؛ دورانی که به دلیل خدمت سربازی حدود یک سال و نیم از فوتبال حرفه‌ای دور ماند. او این دوره را دشوارترین تجربه زندگی‌اش توصیف کرد، اما معتقد است همان سختی‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و مسیر حرفه‌ای او داشته‌اند: «مثل کشورهای دیگر که شما باید دوره سربازی را بگذرانید، ایران هم یک دوره سربازی دارد. فکر می‌کنم آن دوره برای من سخت‌ترین دوره بود، چون من ۱۹ سالگی به سربازی رفتم و یک سال و نیم کامل فوتبال بازی نکردم.» طارمی درباره آن دوران گفت: «اگر می‌خواهم موفق شوم، باید سختی بکشم. هیچ بخشی از زندگی‌ام را نادیده نمی‌گیرم و به تمام آن افتخار می‌کنم. طبیعی بود که از دوری از فوتبال ناراحت باشم، اما همان تجربه باعث شد چیزهای زیادی یاد بگیرم و امروز به این جایگاه برسم.» او ادامه داد: «این مهم‌ترین ویژگی‌های خود را استفاده از هوش وتحلیل در جریان مسابقات دانست. طارمی توضیح داد حتی زمانی که امکان بازی کردن نداشت، ساعت‌های زیادی فوتبال تماشا می‌کرد و حرکات مهاجمان بزرگ را زیر نظر می‌گرفت تا از نظر ذهنی پیشرفت کند. به گفته او، همین نگاه تحلیلی باعث شد پس از پایان دوران سربازی، با پیراهن ایرانچون بوشهر به میدان برود و همان فصل عنوان آقای گلی را به دست آورد: «در هر لحظه از زندگی، هر تجربه‌ای که من داشتم، من خودم بزرگتر شوی، چه خوب باشد و چه بد باشد، چه شکست بخوری و چه پیروز شوی. بنابراین این هم بخشی از زندگی من است که نمی‌توانم نادیده بگیرم. به همه بخش‌های زندگی‌ام افتخار می‌کنم، چون سختی کشیده‌ام که به این مرحله از زندگی رسیده‌ام. مثل بقیه آدم‌هایی که در زندگی‌شان سختی کشیدند، طبیعی است که من هم اگر می‌خواهم موفق شوم باید سختی بکشم. نمی‌توانم بگویم چیز خوبی بوده اما چیز بدی هم نبوده است. قطعاً چیزهای زیادی یاد گرفتم. فوتبال را دوست داشتم و از اینکه نمی‌توانستم بازی کنم، اذیت می‌شدم اما در کل هر تجربه‌ای از زندگی‌ام کسب می‌کنم، باعث پیشرفتم می‌شود. در هر لحظه از زندگی آدم در حال یادگیری است و من هم نکات مثبت زیادی اینجا یاد گرفتم و شاید نکات منفی هم نداشته‌ام. است. رئیس فدراسیون زندگی‌ام یکسری یادگیری‌هایی بوده که من دوستش دارم و این سختی‌ها باعث شده که من الان در این پوزیشن باشم. همه این مسیر را دوست داشتم و چیزی نبوده که زیاد اذیت‌م کند. به هر حال زندگی است و سختی‌هایش. مثل همه مردم که کارشان سختی‌های زیادی دارد، کار من هم شیرش اینطور بود.»

مهاجم ایرانی در بخش دیگری از این مستند درباره نحوه مواجهه با انتقادها نیز صحبت کرد و از جمله‌ای استفاده کرد که به یکی از مهم‌ترین بخش‌های این گفت‌وگو تبدیل شده است. او گفت: «همه انتقادها و سختی‌ها را مثل آجری می‌بینم. آجریایی که به سمت من پرتاب می‌شود را برمی‌دارم و روی هم می‌چینم تا خانه زندگی‌ام را بسازم.» به اعتقاد طارمی، هر تجربه تلخ یا شیرین می‌تواند زمینه‌ای برای رشد و پیشرفت باشد.

کاپیتان تیم ملی همچنین از حضور در نسل موفق فوتبال ایران ابراز افتخار کرد و گفت، خوشحال است که عضو از تیمی بوده که هفت بار صعود به جام جهانی را تجربه کرده است. او تأکید کرد بازیکنان تیم ملی وظیفه دارند با تمام توان برای خوشحال کردن مردم ایران تلاش کنند و حضور طارمی در جام جهانی را مایه افتخار کشور می‌داند.

طارمی در پایان، فوتبال را ابزاری برای انتقال پیام صلح و همدلی توصیف کرد و گفت ورزش باید از سیاست جدا ماند. او تأکید کرد: «می‌خواهم با فوتبال نشان دهم مردم ایران صلح‌طلب هستند و فرهنگی غنی دارند. فوتبال می‌تواند مردم را کنار هم قرار دهد و اتحاد را تقویت کند؛ چیزی که همیشه میان ایرانیان وجود داشته و خواهد داشت.»

موافقت رئیس فدراسیون به تنهایی برای ابقای سرمربی قانونی نیست

قلعه نویی در اتاق انتظار

گزارش یک

سینا حسینی

خبرنگار

در روزهایی که فوتبال جهان با ضربه‌های تند رقابت‌های بزرگ پیش می‌رود، نیمکت تیم ملی ایران به یکی از پرحاشیه‌ترین صحنه‌های خارج از زمین تبدیل شده است؛ جایی که نه سوت داور، بلکه سکوت مدیران، بازی را به وقت‌های اضافه کشانده است. انقاسی امیر قلعه‌نویی، تصمیمی که هنوز ابعاد دقیق آن روشن نشده، حالا پیش از هر زمان دیگری زیر ذره‌بین قرار گرفته است. در فوتبال حرفه‌ای، هیچ تصمیمی بدون معیار نیست؛ اما این بار مشخص نیست شاخص‌های فنی و مدیریتی برای ادامه همکاری با سرمربی تیم ملی چه بوده است. آیا نتایج به‌دست‌آمده در جام جهانی توانسته گشه ترازو را به سود قلعه‌نویی

سنکین کند یا این تصمیم بیشتر در اتاق‌های بسته و خارج از زمین بازی گرفته شده است؟

مسئله اما فقط فنی نیست؛ بازی بزرگتری در جریان است؛ بازی‌ای میان ساختار و تصمیم‌گیری فردی. پرسش کلیدی اینجااست: آیا مهدی تاج این تصمیم را با هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال به اشتراک گذاشته یا این حرکت، یک ضد حمله انفرادی از سوی رئیس فدراسیون بوده است؟

بر اساس اساسنامه فدراسیون فوتبال، به‌ویژه در بند ۱۱ ماده ۳۵، نیمکت تیم ملی بدون تأیید هیأت رئیسه تثبیت نمی‌شود. این یعنی هرگونه ابقا یا تغییر، باید از کانال تصمیم‌گیری جمعی عبور کند؛ چیزی شبیه به پاس‌کاری در یک تیم منسجم، نه حرکت انفرادی در میانه میدان. اگر این فرآیند طی نشده باشد، بازی از مسیر قانونی خارج شده و ممکن است با سوت توقف مواجه شود. در همین حال، گزارش‌ها از داخل فدراسیون حکایت از یک چالش متفاوت

مانیفست مهدی تاج برای بقای محافظه‌کاری روی نیمکت تیم ملی

ایران پیرترین تیم تاریخ می‌ماند



ایران ورزشی

تاج با عبارت «از آقای قلعه‌نویی راضی هستم»، نشان داد که این تصمیم پشت درهای بسته و بر اساس مصلحت‌سنجی گرفته شده است؛ آن هم در مقطعی که فحط الرجال گزینه‌های داخلی و بن‌بست آرزو و منطقه‌ای برای جذب مربی بزرگ خارجی، فدراسیون را در ماتریکسی از بی‌برنامگی قفل کرده است.

بزرگترین زاویه نقد به عملکرد قلعه‌نویی، شکاف عمیق میان وعده‌های شیک جوانگرایی و دکوپاژ عملی او در زمین مسابقه است. او بارها این جراحی را به تعویق انداخته؛ از جام ملت‌ها به انتخابی جام جهانی، سپس به بعد از صعود و در نهایت به بازی‌های تدارکاتی! حتی در تورنمنت درجه دو کافا نیز کادر فنی شهادت بازی دادن به جوان‌ها را پیدا نکرد. شلاق سنگین آمار بر پیکر نیمکت زمانی فرود می‌آید که بدانیم تیم ملی ایران با میانگین سنی ۳۰.۳ سال، پیرترین تیم تاریخ خود را به جام جهانی فرستاد؛ رکوردی فاخر، جایی که در کل دنیا تنها پاناما (۳۰.۴ سال) از آن جلوتر بود.

برای درد که بهتر این فرسایش نسلی، کافی است وضعیت مهره‌ها را زیر ذره‌بین بگذاریم. هسته اصلی و همیشه فیکس تیم را مردان سنی چون شجاع خلیل‌زاده (۳۷ سال)، احسان حاج‌صفی (۳۶ سال) و رامین رضاییان (۳۶ سال) تشکیل دادند که در هر سه مسابقه بدون بازدهی سرعتی دویند. در سوی دیگر، جوانان بایکوت‌شده در اردو مانند امیرمحمد زراقی نیا (۲۰ سال) و دانیال ابری تنها حضوری تزیینی داشتند و هرگز فرصت واقعی برای بازی پیدا نکردند. شاهکار قصه اما فصل خون‌ریزی استعدادهای ۱۹ تا ۲۱ ساله‌ای چون محمد خلیفه، کسری طاهری و امیرحسین محمودی در آخرین مرحله بود؛ بازیکنانی که پیش از آنها مسعود محبی، مهدی هاشم‌نژاد و

معمای غیبت‌های محمدجواد حسین‌نژاد در تیم‌های ملی

چالش‌های پیش روی لژیونرهای جوان

محسن ذاکری در فصلی که می‌توانست

نقطه اوج درخشش محمدجواد حسین‌نژاد، هافبک خلاق و جوان فوتبال ایران باشد، غیبت‌های متوالی و بعضاً بحث‌برانگیز او در اردوهای تیم‌های ملی بزرگسالان و آمید، به معنایی تبدیل شده که توجه رسانه‌ها و کارشناسان را به خود جلب کرده است. این پدیده، ابعاد مختلفی از مدیریت فوتبال، تعامل میان باشگاه‌ها و تیم‌های ملی و سرنوشت لژیونرهای جوان را به تصویر می‌کشد.

تأمل برانگیزترین غیبت حسین‌نژاد به تصمیم امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی بزرگسالان، در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶ بازمی‌گردد. در اقدامی غیرمنتظره و برخلاف پیش‌بینی، نام این تک‌نسن خط میانی در لیست ۳۰ نفره مسافران جام جهانی قرار نگرفت. این اتفاق در حالی رخ داد که حسین‌نژاد در فصل ۲۴-۲۰۲۵

ایجاد می‌کند. آیا این یک بایکوت فنی بود؟ یا سوءتفاهمی در روند انتخاب بازیکنان؟

غیبت دوم در اردوی تیم امید

پس از پایان جام جهانی و در حالی که انتظار می‌رفت حسین‌نژاد به اردوهای تیم ملی بازگردد، سری دوم غیبت‌های او در اردوی تیم ملی امید در ترکیه آغاز شد. اما این بار، داستان متفاوت بود. غیبت او، نتیجه توافق دوجانبه با کادر فنی تیم امید بود. حسین‌نژاد به دلیل ترافیک شدید مسابقات و فصل فرسایشی لیگ روسیه، از حسین عیدی، سرمربی تیم امید، درخواست کرد تا از حضور در این اردو معاف شود. باشگاه دینامو ماخاچ‌قلعه تا شش روز مانده به آغاز اردوی ترکیه، درگیر مسابقات فشرده‌ای بود و این هافبک جوان به عنوان مهره فیکس تیمش، فشار بدنی

سنگینی را تحمل می‌کرد. حسین عیدی با درک این شرایط و برای جلوگیری از مصدومیت احتمالی، با درخواست او موافقت کرد تا این بازیکن پیش از آغاز تمرینات پیش فصل جدید در روسیه، فرصتی برای ریکاوری داشته باشد. حسین‌نژاد در فصلی که گذشت، با ثبت ۳۰ بازی، ۴ گل و ۳ پاس گل، مهره کلیدی تیمش بود.

در تحلیل نهایی، غیبت‌های حسین‌نژاد در دو جبهه ملی، ریشه‌های کاملاً متفاوتی داشت. غیبت اول، به نظری رسد نتیجه یک تصمیم سلیقه‌ای و یکطرفه‌از سوی کادر فنی بزرگسالان بود که با واکنش‌های منفی کارشناسان و حتی فیفا روبرو شد. این نوع برخورد می‌تواند به تضعیف روحیه بازیکنان جوان و از بین رفتن انگیزه‌های آنان منجر شود.

اما غیبت دوم، نمونه‌ای از یک ریل‌گذاری

منطقی و تعامل سازنده میان بازیکن، باشگاه و تیم ملی بود. در این مورد، شرایط فیزیکی بازیکن و فشار مسابقات باشگاهی مورد توجه قرار گرفت و تصمیمی عاقلانه برای حفظ سلامت و آمادگی او اتخاذ شد.

این دو رویداد، آیینه تمام‌نمای چالش‌های فرساینده‌ای است که لژیونرهای جوان ایرانی با آن روبرو هستند. در ترافیک فشرده بازی‌های باشگاهی و ملی، سرنوشت درخشش یا سوختن این استعدادها، به نوع نگاه و تصمیم‌گیری مسئولین و کادر فنی اثر می‌خورد. امید است با رویکردی حرفه‌ای‌تر و سیستمی، از سرمایه‌های فوتبال ملی به بهترین شکل ممکن محافظت شود و شاهد درخشش بیشتر بازیکنانی چون حسین‌نژاد در بالاترین سطوح فوتبال جهان باشیم.

دستاوردهای خیالی بر بستر «اگر»

فرار تاکتیکی از واقعیت‌های تلخ

حفظ مساوی، صرفاً خروج محترمانه از گودارقم می‌زند. افاضی در پاسخ به نقد پیربودن ساختار یوزها، با بیان اینکه جام‌ملت‌ها و جام جهانی جای تجربه کسب کردن نیست، گزاره‌ای درست را در زمانی نادرست به کار برد. در اینکه تورنمنت‌های بزرگ جای آزمون و خطا نیست تردیدی وجود ندارد. اما ابهام بزرگ اینجااست که چرا این جراحی در طول دو سال فرصت کادرفنی در پنجره‌های فیفادی، مسابقات مقدماتی و دیدارهای دوستانه کلید نخورد تا نسل جدید به تدریج وارد ترکیب شود؟ امیر قلعه‌نویی پس از حذف در نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا، از آغاز پروژه جوانگرایی سخن گفته بود؛ وعده‌ای که در عمل محقق نشد و حضور محدود امیرمحمد زراقی نیا و دانیال ابری نیز نتوانست تصویر کلی را تغییر دهد تا ایران در نهایت به جای پیرترین تیم جام، دومین تیم مسن مسابقات لقب بگیرد.

ادعای دستیار قلعه‌نویی مبنی بر اینکه قبل از جام جهانی کسی به جوان‌ها بها نمی‌دهد و سبیل بعدی بعد از جام ملت‌ها آغاز می‌شود، اعترافی تلخ به حاکمیت تفکر نتیجه‌گرایی مقطعی است. این در حالی است که فوتبال مدرن مسیر متفاوتی را طی می‌کند؛ فلاش‌بک به جام جهانی ۲۰۱۸ و روند تیم ملی در دهه گذشته اثبات می‌کند که نیمه‌های موفق، جوانان خود را در مسابقات رسمی آپ‌دیده می‌کنند تا در فست‌یوال جهانی، بازیکنانی کم‌تجربه نباشند. ایران در جام جهانی ۲۰۱۴ با میانگین سنی ۲۸ سال به میدان رفت. اما از همان زمان ورود نسل جدید با بازیکنانی چون عزت‌اللهی، آزمون، ترابی، کریمی، محمدی، کتغانی زادگان و بیرانوند آغاز شد تا نتیجه این سیاست در جام جهانی ۲۰۱۸ نمایان شود؛ جایی که ایران با میانگین سنی ۲۶.۷ سال، هفتمین تیم جوان مسابقات بود و بهترین عملکرد تاریخ خود را با کسب ۴ امتیاز ثبت کرد.

وقتی فرصت طلایی دو سال گذشته برای آغاز این جراحی کافی نبوده، تصمیمی وجود ندارد که وعده چرخه جدید پس از جام ملت‌های عربستان نیز به سرنوشت وعده‌های قبلی دچار نشود. فوتبال ملی بیش از هر چیز به نگاه بلندمدت نیاز دارد. نتیجه‌گرایی زمانی ارزشمند است که همزمان زمینه شکل‌گیری نسل بعدی را نیز فراهم کند؛ در غیر این صورت، تنها زمان از دست می‌رود و بازیکنان مستعد، بهترین سال‌های فوتبال خود را بیرون از چرخه ملی سپری می‌کنند. شاید هیچ نسل‌ای برای همیشه در تیم ملی نماند و هیچ کادرفنی نیز دائمی نباشد، اما نوع نگاه مدیریتی و فنی می‌تواند سال‌ها بر آینده فوتبال یک‌کشور اثر بگذارد. تا زمانی که حذف از جام جهانی با توجیه و ساختن دستاورد از «شکست‌ناپذیری» تفسیر شود، فاصله فوتبال ایران با استانداردهای حرفه‌ای جهان نه کمتر، بلکه بیشتر خواهد شد.



ایران ورزشی

بر اساس اساسنامه فدراسیون فوتبال، به‌ویژه در بند ۱۱ ماده ۳۵، نیمکت تیم ملی بدون تأیید هیأت رئیسه تثبیت نمی‌شود. این یعنی هرگونه ابقا یا تغییر باید از کانال تصمیم‌گیری جمعی عبور کند

نیست؛ بلکه آزمون برای میزان پایدنی به قانون، شفافیت و کار تیمی در مدیریت فوتبال است. حالا باید دید این بازی مدیریتی، با گل طلایی به سود تاج تمام می‌شود یا با تصمیمی جمعی، مسیر دیگری برای تیم ملی ترسیم خواهد شد.

و این همکاری ادامه پیدا می‌کند؟ یا ورق برمی‌گردد و نیمکت تیم ملی شاهد یک تغییر بزرگ خواهد بود؟ آنچه مسلم است، فوتبال ایران در شرایط حساسی قرار دارد و تصمیم‌گیری درباره نیمکت تیم ملی، دیگری یک انتخاب ساده





بازیکنانی که بازار نقل وانتقالات را منفجر خواهند کرد

جام جهانی، کارخانه ستاره‌سازی

را شکار کنند.
انتقال یوهان مانزامبی از فرایبورگ به نیوکاسل با مبلغی بیش از ۵۱ میلیون پوند، تنها آغاز این موج بزرگ است؛ موجی که به احتمال فراوان در هفته‌های آینده، ده‌ها انتقال بزرگ دیگر را رقم خواهد زد.

۴۸ تیم و تعداد بیشتر مسابقات، فرصت دیده شدن را برای بازیکنان بیشتری فراهم کرده و حالا بسیاری از مدیران ورزشی، استعدادیاب‌ها و مربیان بزرگ اروپا، بازار نقل‌وانتقالات تابستانی را زیر نظر دارند تا ستاره‌های تازه متولدشده در آمریکای شمالی

کافی است عملکرد درخشان چند هفته‌ای در بزرگ‌ترین صحنه فوتبال جهان داشته باشید تا پیشنهادهای میلیون یورویی از بزرگ‌ترین باشگاه‌های اروپا روی میز قرار بگیرد. جام جهانی ۲۰۲۶ نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. برگزاری این رقابت‌ها با حضور

ویرترین فوتبال جهان نیز محسوب می‌شود. هر چهار سال یک‌بار، بازیکنانی که شاید پیش از آغاز مسابقات تنها برای هواداران حرفه‌ای فوتبال شناخته شده بودند، در برابر میلیون‌ها بیننده می‌درخشند و مسیر حرفه‌ای خود را به‌طور کامل تغییر می‌دهند.

گزارش یک

جام جهانی همیشه فقط میدان رقابت برای قهرمانی نبوده است، این تورنمنت بزرگ‌ترین

ایوب بوعدی

غول‌های انگلیس را به صف کرد

شاید هیچ بازیکن جوانی به اندازه ایوب بوعدی، هافبک ۱۸ ساله مراکش، ارزش خود را در این جام افزایش نداده باشد. او در نخستین مسابقه برابر برزیل، با آرامش و بلوغی فراتر از سنش، میانه میدان را در اختیار گرفت و بسیاری از کارشناسان را شگفت زده کرد.

بوعدی که در چهار مسابقه از پنج دیدار مراکش به میدان رفت، اکنون یکی از جذاب‌ترین استعدادهای فوتبال اروپا محسوب می‌شود. آرسنال، لیورپول و منچستریونایتد از مشتریان جدی این هافبک لیل هستند و به نظر می‌رسد تنها مسأله باقی‌مانده، تعیین رقم انتقال او باشد.

الیجاه جاست

ستاره‌ای از نیوزیلند

کمتر کسی انتظار داشت نیوزیلند در جام جهانی بازیکنی معرفی کند که توجه باشگاه‌های بزرگ اروپا را جلب کند، اما الیجاه جاست همه معادلات را تغییر داد.

وینگر ۲۵ ساله با سه گل در جام جهانی، ارزش خود را چند برابر کرد؛ به طوری که رسانه‌های اسکاتلندی معتقدند قیمت او نسبت به سال گذشته چندین برابر افزایش یافته است. سلتیک و تولوز فرانسه جدی‌ترین مشتریان این بازیکن هستند و احتمال دارد او تنها یک سال پس از انتقال به مادرول، راهی تیمی بزرگ شود.

امبوکازی

مدافعی از آفریقا

مبکزی امبوکازی یکی از بهترین مدافعان جام جهانی بود. مدافع ۲۰ ساله آفریقای جنوبی تمام دقایق حضور تیمش در مسابقات را بازی کرد و نقش مهمی در صعود تاریخ این تیم به مرحله حذفی داشت. مدیر برنامه این بازیکن تأیید کرده که چند باشگاه معتبر اروپایی برای جذب او وارد مذاکره شده‌اند. ناپولی و تاتیکهام فارست از مهم‌ترین مشتریان مدافع اورلاندو پائرتس هستند و بعید است او فصل آینده همچنان در لیگ آفریقای جنوبی باقی‌ماند.

طارق محارموویچ

ایتالیا را پشتیبان کرد

طارق محارموویچ، مدافع یوسنیایی ساسولو، پیش از جام جهانی نیز مورد توجه اینتر و یونیتوس قرار داشت، اما عملکرد درخشان او باعث شده قیمتش به شکل چشمگیری افزایش پیدا کند. اینتر همچنان علاقه زیادی به جذب او دارد، اما حالا باشگاه‌های لیگ برتر انگلیس نیز وارد رقابت شده‌اند. ساندرلند یکی از مشتریان جدی این مدافع ۲۳ ساله است و بسیاری معتقدند مقصد نهایی او، فوتبال انگلیس خواهد بود.

خولیان کینیونس

عربستان پس است

خولیان کینیونس پیش از جام جهانی نیز فصل فوق‌العاده‌ای را در لیگ عربستان پشت سر گذاشته بود و با ۳۳ گل، آقای گل این مسابقات شد. اما چهار گل او در پنج مسابقه جام جهانی، نگاه باشگاه‌های لیگ برتر انگلیس را نیز به سمتش معطوف کرده است. اگرچه القادسیه تمایلی به فروش این مهاجم مکزیکی ندارد، اما گفته می‌شود خود خود بازیکن علاقه زیادی به حضور در لیگ برتر دارد.

سکوی پرتاب

نسل جدید فوتبال

نیمه‌نهایی برابر انگلیس یک نبرد ویژه خواهد بود

مسی: تکرار این موفقیت‌ها طبیعی نیست

نقل قول

لیونل مسی پس از صعود آرژانتین به مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۲۶، از دستاوردهای نسل طلایی آلیی سلسسته به عنوان موفقیت‌هایی «غیرعادی» یاد کرد و تأکید داشت حفظ جایگاه در بالاترین سطح فوتبال جهان پس از قهرمانی در جام جهانی، کاری نیست که هر تیمی از عهده آن برآید.

آرژانتین باامداد یکشنبه در دیداری دشوار و پرفرازونشیب، سوئیس ۱۰ نفره را با نتیجه ۳ بر یک در وقت‌های اضافه شکست داد تا برای دومین جام جهانی متوالی به جمع چهار تیم یابانی برسد. شاگردان لیونل مسی‌الونی حالا باید در مرحله نیمه‌نهایی برابر انگلیس قرار بگیرند؛ دیداری که از هم‌اکنون یکی

از جذاب‌ترین تقابلهای جام لقب گرفته است.

مسی پس از پایان مسابقه با اشاره به تداوم موفقیت‌های آرژانتین گفت: «مردم کشورمان همان‌قدر از این مسیر لذت می‌برند که ما لذت می‌بریم. این نسل به انجام کارهایی عادت کرده که طبیعی نیست، بازگشت پس از قهرمانی جهان، فتح تمام جام‌ها و همچنان ماندن در جمع چهار تیم برتر دنیا اتفاقی معمولی نیست». کاپیتان آرژانتین معتقد است ارزش این موفقیت‌ها زمانی بیشتر مشخص می‌شود که به سال‌های طولانی انتظار این کشور برای فتح جام جهانی نگاه کنیم. او افزود: «می‌دانیم دوباره چه زمانی چنین فرصت‌هایی تکرار خواهد شد. سال‌های زیادی منتظر قهرمانی جهان بودیم، بنابراین باید از هر لحظه این دوران لذت ببریم و قدر

آن را بدانیم. حالا باید استراحت کنیم، انرژی‌مان را بازیابیم و آماده نیمه‌نهایی شویم.»

صعود با چاشنی جنجال

آرژانتین برخلاف تصور بسیاری، برابر سوئیس شب‌آسانی را سپری نکرد. الکسیس مک‌آلیستر ابتدا آلبی‌سلسسته را پیش انداخت، اما دن ندویه در نیمه دوم کار را به تساوی کشاند تا بازی وارد شرایط پیچیده شود.

نقطه عطف مسابقه، اخراج جنجالی بریل امبولو بود؛ مهاجم سوئیس که پس از بازیبنی صحنه توسط VAR، به دلیل شبیه‌سازی دومین کارت زرد خود را دریافت کرد و تیمش را ۱۰ نفره گذاشت. با این حال آرژانتین حتی پس از این اتفاق نیز-برای شکستن مقاومت سوئیس کار آسانی نداشت و تنها در وقت‌های اضافه با شلیک تماشایی خولیان آلوارس و

گل لاوتارو مارتینس توانست پیروزی را قطعی کند.

مسی نیز اعتراف کرد که این مسابقه یکی از سخت‌ترین بازی‌های تیمش در این جام بوده است. او گفت: «می‌دانستیم با بازی دشواری روبه‌رو خواهیم شد. حتی بعد از گل اول هم نتوانستیم کنترل کامل مسابقه را در اختیار بگیریم. آنها مدام بازی را برای ما سخت می‌کردند، اجازه نمی‌دادند مالکیت توپ را حفظ کنیم و حتی بدون توپ هم بیش از حد عقب نشستیم. اخراج بازیکن سوئیس روند بازی را تغییر داد، اما باز هم پیروزی آسانی به دست نیاوردیم.»

نخستین رویارویی

مسی با انگلیس

حالا آرژانتین باید در مرحله نیمه‌نهایی به مصاف انگلیس برود؛ دیداری که علاوه بر اهمیت فوالبی، از نظر تاریخی نیز همواره یکی از

از این بازیکنان شاید پیش از آغاز مسابقات تنها نام‌هایی آشنا برای استعدادیاب‌ها بودند، اما حالا به اهداف اصلی غول‌های فوتبال اروپا تبدیل شده‌اند. به نظر می‌رسد تابستان امسال،

بازار نقل‌وانتقالات بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر درخشش ستاره‌هایی باشد که تنها چند هفته پیش، فرصت خود را در بزرگ‌ترین ویرترین فوتبال جهان پیدا کردند.



هرگز با انگلیس روبه‌رو نشده بودم. مسی البته تأکید کرد که نسل فعلی آرژانتین بیش از آنکه درگیر تاریخ باشد، روی فوتبال تمرکز دارد. او با اشاره به دیدار تاریخی دو تیم در جام جهانی ۱۹۸۶ و خاطره گل معروف «دست خدا» و شاهکار انفرادی دیگه‌مو مارادونا گفت: «آن مسابقه را فقط از طریق فیلم‌ها و تصاویری که بارها در آرژانتین دیده‌ایم می‌شناسم، اما این تیم عادت دارد بدون توجه به نام حریف، فقط روی مسابقه تمرکز کند.»

حساس‌ترین تقابلهای جام جهانی بوده است. جالب اینکه با وجود سال‌ها حضور در بالاترین سطح فوتبال ملی، لیونل مسی تاکنون هرگزمقابل تیم ملی انگلیس به میدان نرفته است. او درباره این مسابقه گفت: «بازی با انگلیس همیشه خاص است، چون آنها یکی از قدرت‌های بزرگ فوتبال جهان هستند. از نظر شخصی هم این تیم‌نهایی به مصاف انگلیس برود؛ بازی می‌کنم. مقابل تقریباً همه تیم‌های بزرگ دنیا قرار گرفته‌ام، اما



آنتونیو نوسا

مشتریان جدید در انگلیس

ارلینگ هالند تنها ستاره نروژ نبود. آنتونیو نوسا نیز با دریل‌های انفجاری و سرعت بالای خود بار دیگر نشان داد چرا سال‌هاست از او به عنوان یکی از آینده‌دارترین وینگرهای اروپا یاد می‌شود. تاتنهام که زمستان گذشته از جذب او منصرف شده بود، اکنون آماده ارائه پیشنهاد رسمی به لایپزیگ است، اما آرسنال نیز به دنبال ردود این انتقال از رقیب شمال لندن خود است.

سامرویل

قیمت دو برابر

کرایسنسیو سامرویل شاید تنها در دو مسابقه برای هلند از ابتدا به میدان رفت، اما روی چهار گل تیمش تأثیر مستقیم گذاشت و یکی از مؤثرترین بازیکنان تاریخی‌ها بود. وستهام که در حال فروش ستاره‌هایش است، حالا امیدوار است از انتقال این وینگر هلندی نیز سود هنگفتی به دست آورد. لیورپول جدی‌ترین مشتری سامرویل محسوب می‌شود و ارزش او به حدود ۵۰ میلیون پوند رسیده است.

گیمارش

باخت و گران شد

برزیل خیلی زود از جام جهانی کنار رفت، اما برونو گیمارش همچنان یکی از بهترین هافبک‌های مسابقات بود. او با وجود از دست دادن یک ضربه پنالتی برابر نروژ، چهار پاس گل در این تورنمنت ثبت کرد و تقریباً به‌تنهایی خط میانی سلسائو را اداره کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که این هافبک خواهان جدایی از نیوکاسل است و آرسنال جدی‌ترین گزینه برای جذب او به شمار می‌رود؛ انتقالی که احتمالاً کمتر از ۸۰ میلیون پوند نخواهد بود.

یان دیوماند

هدف جدید پاری‌سن‌ژرمن

یان دیوماند، وینگر ۱۹ ساله ساحل عاج، اگرچه آمار گلزنی خیره‌کننده‌ای نداشت، اما با تکنیک بالا، سرعت انفجاری و توانایی عبور از مدافعان، یکی از جذاب‌ترین بازیکنان جام جهانی لقب گرفت. پیش از آغاز مسابقات، لیورپول برای جذب او شانس زیادی داشت، اما اکنون گزارش‌ها از علاقه جدی پاری‌سن‌ژرمن خبر می‌دهند. باشگاه لایپزیگ تمایل دارد یک فصل دیگر او را حفظ کند، اما بسیاری از رسانه‌های اروپایی معتقدند انتقالی با رقمی بیش از ۱۰۰ میلیون یورو در تابستان امسال دور از انتظار نیست.

گیلبرتو مورا

پدیده ۱۷ ساله

مکزیک یکی از شگفتی‌های این جام بود و در میان ستاره‌هایش، گیلبرتو مورا بیش از همه نگاه‌ها را به خود جلب کرد. این هافبک ۱۷ ساله ابتدا روی نیمکت نشست، اما پس از درخشش مقابل جمهوری چک، جایگاه ثابتی در ترکیب اصلی پیدا کرد و برابر اکوادور و انگلیس نیز نمایش‌های قابل توجهی ارائه داد. لیورپول مدت‌هاست شرایط این بازیکن را دنبال می‌کند، اما حالا باشگاه‌هایی مانند منچسترسیتی، آرسنال، بارسلونا و رئال مادرید نیز وارد رقابت شده‌اند. ارزش مورا در هفته‌های اخیر به حدود ۴۰ میلیون یورو رسیده و احتمال دارد یکی از بزرگ‌ترین انتقال‌های تابستان را رقم بزند.



بازار نقل‌وانتقالات بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر درخشش ستاره‌هایی باشد که تنها چند هفته پیش، فرصت خود را در بزرگ‌ترین ویرترین فوتبال جهان پیدا کردند.

حساس‌ترین تقابلهای جام جهانی بوده است. جالب اینکه با وجود سال‌ها حضور در بالاترین سطح فوتبال ملی، لیونل مسی تاکنون هرگزمقابل تیم ملی انگلیس به میدان نرفته است. او درباره این مسابقه گفت: «بازی با انگلیس همیشه خاص است، چون آنها یکی از قدرت‌های بزرگ فوتبال جهان هستند. از نظر شخصی هم این تیم‌نهایی به مصاف انگلیس برود؛ بازی می‌کنم. مقابل تقریباً همه تیم‌های بزرگ دنیا قرار گرفته‌ام، اما



تیم ملی با محافظه کاری خداحافظی می کند

سرمربی در آزمون بزرگ تغییر

نگاه فنی

حمیدرضا عرب

خبرنگار

در دی ماه سال جاری جام ملت‌های آسیا در کشور عربستان آغاز می‌شود. تورنمنتی که برای تیم ملی ایران چیزی فراتر از یک رقابت قاره‌ای است. پس از سال‌ها ناکامی در فتح این جام، اکنون تنها هدفی که می‌تواند عملکرد تیم ملی را با امیر قلعه‌نویی موفقیت‌آمیز جلوه دهد، رسیدن به‌عنوان قهرمانی است.

اما مسیررسیدن به این هدف نسبت به دوره‌های گذشته به مراتب دشوارتر شده است، زیرا فوتبال آسیا دیگر همان فوتبال چند سال قبل نیست. جام جهانی اخیر، اگرچه از نظر نتیجه برای اکثر نمایندگان آسیا چندان درخشان نبود، اما از نظر تجربه‌اندوزی نقطه عطفی برای فوتبال این قاره محسوب می‌شود. حضور ۹تیم آسیایی در بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان، فرصت ارزشمندی را در اختیار تیم‌های این قاره قرار داد تا برابر قدرت‌های بزرگ دنیا قرار بگیرند،

ضعف‌های خود را بشناسند و از نظر تاکتیکی و ذهنی رشد کنند. درست است که تنها ژاپن و استرالیا موفق شدند از مرحله گروهی صعود کنند و تیم‌هایی مانند عراق، اردن و ازبکستان حتی بدون کسب امتیاز از جام جهانی کنار رفتند، اما نباید فراموش کرد که صرف حضور

در چنین سطحی از رقابت‌ها می‌تواند کیفیت فنی تیم‌ها را افزایش دهد. عربستان، قطر، ایران و کره جنوبی نیز هر کدام تجربه‌ای متفاوت از حضور در جام جهانی کسب کردند و امتیازاتی به دست آوردند که البته سهم ایران و کره جنوبی ۳ امتیاز بود و شرایط بهتری نسبت به این دو تیم داشتند.

مسئله اما کسب امتیازات نیست. نفس حضور در جام جهانی تیم‌ها را در یک نقطه خودباوری قرار خواهد داد و این موضوع سطح رقابت‌های ملت‌ها را به شکل محسوسی بالاتر خواهد برد. دیگر نمی‌توان تنها ژاپن، کره جنوبی و استرالیا را مدعیان اصلی دانست. عراق، اردن، ازبکستان و قطر با اعتمادبه‌نفس و تجربه‌ای بیشتر وارد این مسابقات خواهند شد و فاصله میان مدعیان و تیم‌های میانی آسیا کمتر از گذشته شده است.



امیرقلعه‌نویی

و کادرفنی تیم

ملی اکنون

پیش از هر

زمان دیگری

نیازمند

بازنگری در

رویکرد فنی

خود هستند.

ایران باید از

یک تیم صرفاً

واکنشی

به تیمی

تبدیل شود

که توانایی

تحمل

فوتبال خود

به حریف را

داشته باشد.

این دگردیسی

تنها با افزایش

کیفیت

هجومی

امکان‌پذیر

است.

تورنمنتی مانند جام ملت‌های آسیا که ایران باید نقش تیم برتر را ایفا کند، کافی نیست. قهرمان آسیا باید توانایی کنترل مسابقه، خلق موقعیت، حفظ مالکیت، تغییر ریتم بازی و شکستن دفاع‌های متراکم را داشته باشد. تیمی که تنها یک نقشه برای رسیدن به گل داشته باشد، در مراحل حذفی به مشکل خواهد خورد. نقطه‌ای که کوچک‌ترین اشتباه می‌تواند پایان مسیر باشد.

امیر قلعه‌نویی و کادرفنی تیم ملی اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در رویکرد فنی خود هستند. ایران باید از یک تیم صرفاً واکنشی به تیمی تبدیل شود که توانایی تحمیل فوتبال خود به حریف را داشته باشد. این دگردیسی، تنها با افزایش کیفیت

اتکا به ارسال‌های بلند، ضحمله یا ضربات ایستگاهی به موفقیت برسد. از سوی دیگر، گفته می‌شود کادرفنی تیم ملی نیز در آستانه تغییراتی قرار دارد و احتمال جدایی برخی از دستیاران وجود دارد کمااینکه تاکنون نیز چنین شده است. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، این تغییرات فنی تیم باشد، نه ارتقای کیفیت فنی تیم باشد، نه صرفاً جابه‌جایی اسامی. تیم ملی بیش از هر چیز به مربیانی نیاز دارد که بتوانند در حوزه آنالیز، طراحی تمرینات هجومی و ارائه ایده‌های تاکتیکی، ارزش افزوده واقعی ایجاد کنند.

نگاهی به گروه‌های جام ملت‌ها نیز نشان می‌دهد که رقابت‌ها تا چه اندازه دشوار خواهد بود. ژاپن در کنار قطر قرار گرفته، عراق با استرالیا هم‌گروه است و اردن و ازبکستان نیز در یک گروه حضور دارند. این تقابل‌ها باعث می‌شود تیم‌های قدرتمند از همان مرحله گروهی با مسابقات سنگین روبه‌رو شوند و آمادگی بیشتری برای مراحل حذفی پیدا کنند.

ایران نیز اگرچه روی کاغذ از شانس بالایی برای صعود از

گروه خود برخوردار است، اما چین، سوریه و قرقیزستان تیم‌هایی نیستند که بتوان آنها را دست‌کم گرفت. فوتبال آسیا بارها نشان داده تیم‌ها به ظاهر متوسط می‌توانند برای مدعیان در سرسره‌های بزرگی ایجاد کنند. با این حال، آزمون واقعی ایران از مرحله یک‌هشتم و یک‌چهارم نهایی آغاز خواهد شد. جایی که احتمالاً باید با تیم‌هایی روبه‌رو شود که تجربه حضور در جام جهانی را نیز در کارنامه دارند.

نکته مهم دیگر، کیفیت فوتبال ارائه‌شده از سوی تیم ملی است. طی دو سال اخیر بجز در یکی دو مسابقه، تیم ملی کمتر توانسته فوتبالی روان، تهاجمی و جذاب ارائه کند. این تیم اگرچه از نظر نتیجه در بسیاری از مسابقات موفق فنی می‌تواند تنها با امید به شانس و اتفاقات وارد مهم‌ترین تورنمنت قاره شود. پس از نزدیک به نیم‌قرن انتظار، دیگر هیچ نتیجه‌ای جز قهرمانی برای فوتبال ایران رضایتبخش نخواهد بود و رسیدن به این هدف، مستلزم تغییر نگرش، ارتقای کیفیت فنی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر از گذشته است.

جام ملت‌های آسیا می‌تواند نقطه عطفی برای تغییر این روند



عکس: فدراسیون فوتبال

باشد. اگر قلعه‌نویی بتواند ضمن حفظ استحکام دفاعی، تیمی با برنامه‌های متنوع هجومی، مالکیت مؤثر و جسارت بیشتر بسازد، شانس ایران برای پایان دادن به حسرت طولانی قهرمانی افزایش خواهد یافت.

اما اگر همان رویکرد محتاطانه و تک‌بعدی ادامه پیدا کند، عبور از رقیبایی که با تجربه جام جهانی محمول شده‌اند، بسیار دشوار خواهد بود.

در نهایت یک سؤال مهم نیز متوجه مدیریت فدراسیون فوتبال است: مهدی تاج‌بارها از ادامه همکاری با امیر قلعه‌نویی سخن گفته، اما افکار عمومی انتظار دارد بداند آیا برای این همکاری، اهداف و شاخص‌های مشخصی نیز تعریف شده است یا خیر؟

تیم ملی نمی‌تواند تنها با امید به شانس و اتفاقات وارد مهم‌ترین تورنمنت قاره شود. پس از نزدیک به نیم‌قرن انتظار، دیگر هیچ نتیجه‌ای جز قهرمانی برای فوتبال ایران رضایتبخش نخواهد بود و رسیدن به این هدف، مستلزم تغییر نگرش، ارتقای کیفیت فنی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر از گذشته است.

ضربات ایستگاهی و اوت‌های بلند و در نهایت سانتر از جناحین شانس گل خلق می‌کرد که اتفاقاً برخلاف ادعای مربی تیم ملی در این تورنمنت خیلی کم نمونه‌اش را دیدیم.

از این حیث مدل حمله کردن تیم ایران هم مثل دفاع کردنش – آنچه در بازی بلژیک اتفاق افتاد- عجیب و غریب و منحصر به فرد بود و البته برآیند مجموع دقایقی که تیم ایران مشغول دفاع صرف بود به علاوه دقایق حضور در زمین حریف با هدف خلق موقعیت گل ثابت کرد

تقلای چندانی نمی‌کرد و حتی به‌زعم افاضلی از دقیقه ۷۰ به بعد عقب نشسته بود.

افاضلی می‌گوید، قلعه‌نویی مربی‌ای است که در حمله و دفاع تعادل دارد اما واقعیت این است که غیر از بازی با نیوزیلند در دو بازی دیگر هیچ تعادلی در کار نبود چراکه تیم ما نزدیک به ۳۰ دقیقه مقابل بلژیک ده‌نفره بازی کرد و حدود ۹۰ دقیقه مقابل مصری که صعودش از قبل مسجل شده بود به دفاع پرداخت و طرح و برنامه مشخصی برای تحت فشار گذاشتن حریف و ایجاد موقعیت گل نداشت.

کادرفنی تیم ملی باید ببازد که تیم ایران در این تورنمنت در فاز حمله برای خلق موقعیت نه تنوع داشت نه خلاقیت و تنها براساس مدل فوتبالی که در زمین دیدیم نمود نداشت.



بازیکان ایجاد کرد. این عوامل بدون تردید روی روند آماده‌سازی اثرگذار بودند و نمی‌توان سهم آنها را نادیده گرفت. با این حال، اگر قرار است امروز یکی از مهم‌ترین دلایل عملکرد تیم ملی در جام جهانی، کمبود زمان برای تطبیق عنوان شود، افکار عمومی حق دارد پاسخ یک پرسش ساده را بداند: آیا واقعاً تیم ملی فقط شش روز برای آماده‌سازی فرصت داشت یا آنچه تقویم نشان می‌دهد، هشت روز حضور در کمپ اصلی است؟

شاید پاسخ این پرسش، بیش از آنکه درباره دو روز اختلاف باشد به کیفیت برنامه آماده‌سازی تیم ملی مربوط شود. زیرا در فوتبال حرفه‌ای، موفقیت تنها به تعداد روزهای حضور در کمپ

تیم ملی مربوط شود. زیرا در فوتبال حرفه‌ای، وابسته نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، نحوه استفاده از همان فرصت‌هایی است که در اختیار یک تیم قرار می‌گیرد.

پرسش بزرگی که کادرفنی جوابی برایش ندارد

کیفیت فوتبال تیم ملی چقدر رشد کرد؟



اعضای کادر فنی تیم ملی در یک برنامه اینترنتی حاضر شده و پاسخگو باشد مشخص نیست اما همین که در یک فضای نسبتاً دوستانه نقدهای

محمد فراگز لو / اینکه فدراسیون فوتبال و امیر قلعه‌نویی چطور راضی شدند بعد از دو هفته سکوت، هومن افاضلی به‌عنوان یکی از

روایت کادر فنی و آنچه تقویم و علم می‌گویند

هشت روز برای تطبیق کافی نبود؟

نیز روز پانزدهم ژوئن برگزار شد. به عبارت دیگر ورود تیم ملی به کمپ اصلی تا اولین مسابقه هشت روز تقویمی بود، نه شش روز.

البته ممکن است منظور افاضلی شش جلسه تمرین کامل یا شش روز کاری بوده باشد اما اگر ملاک، زمان حضور تیم در کمپ اصلی باشد، تقویم رسمی فاصله‌ای هشت‌روزه را نشان می‌دهد. همین موضوع نخستین ابهامی است که نیاز به توضیح دارد.

سفر سخت بود، اما غیرمنتظره نه

بدون تردید مسیر سفر تیم ملی آسان نبود. کاروان ایران مستقیماً از تهران به مکزیک نرفت، بلکه پس از سه هفته اردو در آنتالیا راهی سفری بین‌قاره‌ای شد. پرواز از ترکیه توقفی حدود پنج ساعته در مالاگای اسپانیا داشت و سپس در ادامه مسیر به تیخوانا، مجموع زمان سفر به حدود یک شبانه‌روز رسید.

افزون بر این، اختلاف ساعت میان آنتالیا و تیخوانا حدود ۱۰ساعت بود؛ اختلافی که در علم ورزش می‌تواند موجب اختلال خواب، کاهش تمرکز و افت موقت عملکرد جسمانی شود. بنابراین اصل ادعای دشوار بودن شرایط سفر، قابل انکار نیست اما سؤال اصلی

اینجاست که آیا هشت روز برای سازگاری با چنین اختلاف زمانی واقعاً کافی بود؟

۸ روز خارج از استاندارد نبود

مطالعات پزشکی ورزشی و دستورالعمل‌های مربوط به رقابت‌های بین‌المللی نشان می‌دهد بدن ورزشکاران معمولاً روزانه حدود یک تا یک و نیم ساعت با اختلاف زمانی سازگار می‌شود. به همین دلیل، برای اختلاف زمانی حدود ۱۰ساعت، بسته به برنامه خواب، نور، تغذیه و زمان‌بندی تمرینات، معمولاً بین پنج تا هشت روز برای رسیدن به شرایط مطلوب در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از تیم‌های حرفه‌ای جهان تلاش می‌کنند حدود یک هفته پیش از نخستین مسابقه در محل برگزاری مستقر شوند و با اجرای برنامه‌های علمی، اثرات جنگ را به حداقل برسانند. اگر این معیار را مبنا قرار دهیم، حضور هشت‌روزه تیم ملی در تیخوانا، هرچند ایده‌آل‌ترین شرایط ممکن نبود، اما خارج از استانداردهای رایج فوتبال حرفه‌ای نیز به نظر نمی‌رسد.

زمان با کیفیت برنامه؟

اگر ببازیم که تیم ملی از هفتم ژوئن در کمپ خود مستقر شده و تا پانزدهم ژوئن فرصت آماده‌سازی داشته، آن‌گاه پرسش مهم‌تری مطرح می‌شود: آیا مشکل فقط کمبود زمان بود

واکنش

سرمقاله نوشتن آسان است

برنامه را در زمین نشان دهید

۱۸۰روز تا جام ملت‌های آسیا باقی مانده و فدراسیون فوتبال با انتشار سرمقاله‌ای از «برنامه»، «فرآیند حرفه‌ای»، «نگاه بلندمدت» و «آمادگی برای قهرمانی» سخن گفته است. متن پر از واژه‌های امیدوارکننده است: واژه‌هایی که هر هوادار فوتبال دوست دارد آنها را بشنود. اما یک پرسش ساده همچنان بی‌پاسخ مانده است: برنامه‌ای که از آن صحبت می‌شود، تاکنون در کجای عملکرد تیم ملی دیده شده است؟ شاید مهم‌ترین جمله سرمقاله این باشد که «در فوتبال امروز، قهرمانی اتفاقی به دست نمی‌آید». کاملاً درست است؛ اما اگر این گزاره درست باشد، گزاره دیگری هم درست است: برنامه نیز فقط با نوشتن و تکرار کردن به‌وجود نمی‌آید. برنامه زمانی معنا پیدا می‌کند که اثرش در کیفیت فوتبال، هویت فنی تیم و روند رو به رشد آن دیده شود، نه صرفاً در انتشار یک متن امیدوارکننده. واقعیت این است که فوتبال حرفه‌ای، بیش از آنکه به ادبیات زیبا احتیاج داشته باشد، به نشانه‌های روشن نیاز دارد؛ نشانه‌هایی که در زمین مسابقه قابل مشاهده باشند.

اگر برنامه وجود دارد، خروجی آن جاست؟

سرمقاله تأکید می‌کند تیم ملی براساس یک «برنامه مشخص، زمان‌بندی‌شده و هدفمند» حرکت می‌کند. بسیار خب اما سؤال اینجاست که خروجی این برنامه چیست؟ آیا کیفیت بازی‌های تیم ملی نسبت به یک سال قبل تغییر محسوسی کرده است؟ آیا تنوع تاکتیکی بیشتری دیده می‌شود؟ آیا تیم ملی در مقابل رقبای جدی، شخصیت فوتبالی متفاوتی از خود نشان داده است؟ در فوتبال حرفه‌ای، هیچ برنامه‌ای با تعداد اردوها یا جلسات تمرینی سنجیده نمی‌شود. معیار، چیزی است که در ۹۰دقیقه مسابقه دیده می‌شود. اگر برنامه وجود دارد، باید اثرش هم قابل مشاهده باشد. اتفاقاً خود فدراسیون نیز با تأکید بر «فرآیند» و «برنامه‌ریزی دقیق»، معیار قضاوت را مشخص کرده است: بنابراین طبیعی است که افکار عمومی نیز همین معیار را مبنای ارزیابی قرار دهد.

جوانگرایی با یک جمله اتفاق نمی‌افتد

یکی دیگر از وعده‌های سرمقاله، «آماده‌سازی نسل جدید در کنار بازیکنان باتجربه» است. این دقیقاً همان مطالبه‌ای است که مدت‌هاست از سوی کارشناسان مطرح می‌شود. جوانگرایی یک تیت‌ر رسانه‌ای نیست بلکه یک تصمیم بزرگ، جسورانه و فنی است. تا زمانی که بازیکنان جوان در مسابقات مهم فرصت بازی پیدا نکنند، تجربه نیندوژند و مسئولیت نپذیرند، هیچ نسلی ساخته نخواهد شد. ۱۸۰روز فرصت کمی نیست. اگر قرار است این مدت، سکوی پرتاب تیم ملی به سوی جام ملت‌ها باشد، باید در همین بازه زمانی نشانه‌های تغییر دیده شود؛ چه در ترکیب، چه در میزان اعتماد به بازیکنان جوان و چه در افزایش رقابت برای حضور در تیم ملی.

فرآیند حرفه‌ای فقط برگزاری اردو نیست

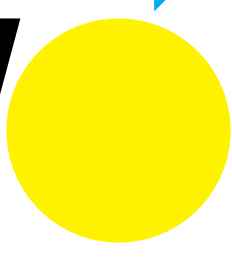
سرمقاله از «بشتوانه یک فرایند حرفه‌ای» سخن گفته اما فرایند حرفه‌ای فقط به معنای داشتن تقویم اردوها یا بازی‌های تدارکاتی نیست. تیم‌های موفق آسیا، پیش از آنکه با نتایج‌شان شناخته شوند، با هویت فوتبالی‌شان شناخته می‌شوند. آنها سبک بازی مشخص دارند، در طول زمان پیشرفت می‌کنند و هر تورنمنت، نسخه کامل‌تری از خود را ارائه می‌دهند. این همان انتظاری است که از تیم ملی ایران نیز وجود دارد. اگر قرار است از نگاه بلندمدت صحبت شود، باید نشانه‌های آن در کیفیت بازی، در ایده‌های تاکتیکی و در روند پیشرفت تیم دیده شود. برنامه‌ای که فقط در تقویم وجود داشته باشد، هنوز به فرایند حرفه‌ای تبدیل نشده است.

آرامش جایگزین مطالبه‌گری نیست

در بخشی از سرمقاله از «آرامش در اجرای برنامه» به‌عنوان سرمایه فوتبال ایران یاد شده است. البته که آرامش برای هر تیمی ضروری است اما آرامش با نبود پرسش تفاوت دارد و فوتبال حرفه‌ای با سؤال‌های حرفه‌ای رشد می‌کند. وقتی فدراسیون از برنامه، فرایند و نگاه بلندمدت سخن می‌گوید، طبیعی است رسانه‌ها نیز درباره کیفیت این برنامه سؤال کنند. این مطالبه‌گری نه مخالفت با تیم ملی است و نه نادیده گرفتن موفقیت‌های آن؛ بلکه بخشی از همان استانداردهای حرفه‌ای است که خود فدراسیون از آن سخن می‌گوید. مدیران فدراسیون و اعضای کادرفنی تیم ملی باید ببازند که نقد فنی، رقیب تیم ملی نیست بلکه مکمل پیشرفت آن است. تیمی که مدعی قهرمانی آسیاست، باید آن‌قدر به برنامه خود اطمینان داشته باشد که از پرسش‌های کارشناسی استقبال کند، نه اینکه آنها را مانعی بر سر راه آرامش بداند.

فرصت پاسخ در زمین مسابقه

همه تیم ملی را دوست دارند، از موفقیتش لذت می‌برند اما حمایت از تیم ملی، به معنای تعطیل شدن نقد نیست. اتفاقاً تیمی که مدعی قهرمانی آسیاست، بیش از هر زمان دیگری نیاز به زیر‌دربین باشد. فدراسیون در سرمقاله خود آورده که موفقیت از دل برنامه‌ریزی دقیق آغاز می‌شود. این جمله را باید به‌خاطر سپرد؛ زیرا از امروز، هر اردو، هر بازی تدارکاتی و هر تصمیم فنی، بخشی از همین برنامه خواهد بود و طبیعتاً با همین معیار نیز قضاوت می‌شود. باید قبول کنیم که سرمقاله‌ها می‌توانند امید ایجاد کنند اما جام ملت‌ها با امید و واژه فتح نمی‌شود. اگر واقعاً برنامه‌ای در جریان است، بهترین پاسخ به همه تردیدها نه انتشار متن‌های امیدوارکننده، بلکه نمایش یک تیم ملی متفاوت در مسابقات سب‌ساز است. تیمی که کیفیت بازی‌اش، بهترین دفاع از برنامه‌ای باشد که این روزها درباره آن بسیار نوشته می‌شود. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، نه رسانه‌ها دلیلی برای تردید خواهند داشت و نه افکار عمومی نیاز به اقیانوس سرمقاله‌ها؛ چراکه در فوتبال، قانع‌کننده‌ترین پاسخ همیشه همان چیزی است که در زمین مسابقه دیده می‌شود، نه آنچه روی کاغذ نوشته می‌شود.



ایران ورزشی

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۱۴ ۸۸۵۵۴۱۳۳ • نمایر: ۸۴۷۱۱۱۳۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ۸۸۵۵۴۱۳۳ • ۸۸۵۵۴۱۳۳
- امور مشترکین: ۸۸۴۷۴۸۸۰۰ • ۸۸۴۷۴۸۸۰۰
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

درگیری لفظی مسی با داور پرتغالی؛ با من محترمانه صحبت کن!

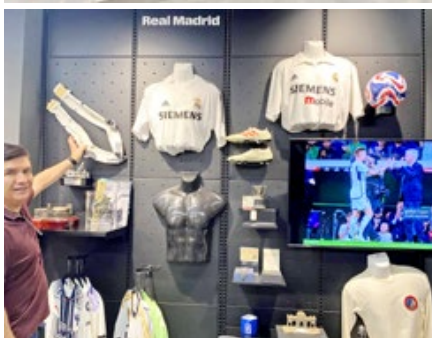
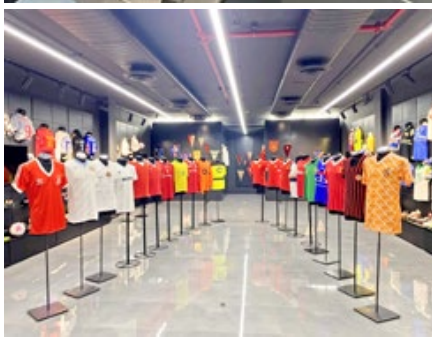
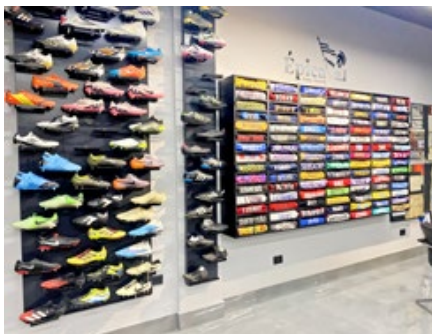
سمت داور رفت و با تأکید گفت: «به من بی احترامی نکن. من درست با تو صحبت کردم، تو هم درست با من صحبت کن!» با وجود اعتراض مسی، این برخورد به جنجال بزرگتری تبدیل نشد و هیچ کارت با جریمه انضباطی برای او در نظر گرفته نشد. کاپیتان آرژانتین در تمام این لحظات آرامش خود را حفظ کرد و با وجود اعتراض، رفتار کنترل شده‌ای داشت.

دفاعی تیش قرار داشت. داور از او خواست فاصله قانونی را رعایت کند، اما لحن صحبت و نحوه برخورد پنیرو باعث ناراضی ستاره آرژانتینی شد. مسی که از این رفتار ناراحت شده بود، به داور واکنش نشان داد و گفت: «با من درست صحبت کن!» این پایان ماجرا نبود و پس از اجرای ضربه آزاد نیز دوربین‌های تلویزیونی بار دیگر لحظه‌ای را ثبت کردند که کاپیتان آرژانتین به

دیدار پرهیجان آرژانتین و سوئیس در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ تنها به نبرد تاکتیکی دو تیم محدود نشد و یک برخورد لفظی میان لیونل مسی و داور پرتغالی مسابقه، ژواکو پدرو پینیرو، به یکی از لحظات جنجالی بازی تبدیل شد. این اتفاق در نیمه نخست و پیش از یک ضربه ایستگاهی برای سوئیس رخ داد؛ جایی که مسی به عنوان کاپیتان آرژانتین در دیوار

از ته‌سیگار مارادونا تا جوراب‌های کروس

گنجینه عجیب یک کلکسیونر فوتبال!



لمس کند. وقتی از او می‌پرسند آیا وسوسه نشده بود از ماتئوس بخواهد توپ طلا را هم به مجموعه‌اش اضافه کند، با لبخند پاسخ می‌دهد: «هرگز؛ چنین درخواستی بی احترامی بود.»

من هم تاریخ فوتبال را جمع می‌کنم. به یادماندنی‌ترین خاطره او، دیدار با لوتار ماتئوس در خانه‌اش در مونیخ بود؛ جایی که توانست توپ طلای سال ۱۹۹۰ اسطوره آلمان را از نزدیک

می‌گوید: «دوستانم می‌گویند اینها فقط چند تکه پارچه قدیمی هستند و ارزشی ندارند. اما هر کسی سرگرمی خودش را دارد؛ یکی گلف بازی می‌کند، یکی به لاس‌وگاس می‌رود و قمار می‌کند و

گزارش یک ایمان‌گودرزی

اگر قرار باشد تنها یک وسیله، میزان شغفتگی گابریل بوستامانته به جمع‌آوری یادگاری‌های فوتبال را نشان دهد، آن یک ته‌سیگار متعلق به دیگو مارادوناست. مارادونا پس از شکست درادوس د سینالوا در فینال پلی آف لیگ دسته دوم مکزیک در سال ۲۰۱۹، در حالی که سیگار می‌کشید، ورزشگاه را ترک کرد. بوستامانته او را دید و لحظه‌ای بعد، وقتی اسطوره آرژانتینی ته‌سیگارش را زیر اتوبوس تیم انداخت، خود را روی زمین انداخت تا آن را بردارد. مارادونا با تعجب از او پرسید چه می‌کند و بوستامانته پاسخ داد: «دیه‌گو، دی‌ان‌ای تو داخل این سیگار است؛ باید نگهش می‌داشتم.» واکنش مارادونا هم به همان اندازه عجیب و بازمه بود. او رو به دستپارش کرد و گفت: «این مرد بیشتر از من به درمان احتیاج دارد!» سپس عینک آفتابی‌اش را از چشم برداشت و به بوستامانته هدیه داد. این فقط یکی از صدها داستانی است که بوستامانته ۵۹ ساله درباره مجموعه شگفت‌انگیزش تعریف می‌کند؛ مجموعه‌ای متشکل از بیش از ۲۰ هزار یادگار فوتبالی که در زیرزمین خانه‌اش در مونتری مکزیک نگهداری می‌شود. در میان این گنجینه، پیراهن دوران جوانی آندرس اینیستا در بارسلونا، جوراب‌هایی که تونی کروس در آخرین بازی لالیگای خود برای رئال مادرید به پا داشت، یا لکه‌های چمن همچنان روی آن و حتی چند ساعت رولکس دیده می‌شود؛ ساعت‌هایی که مارادونا در دوران هدایت درادوس به بازیکنانش هدیه داده بود. همان مارادونایی که به‌استفاده همزمان از دو ساعت رولکس، روی هر دو مچ دست، شهرت داشت. اما شاید عجیب‌ترین بخش این مجموعه، اسناد تاریخی آن باشد. در میان آنها، نامه‌ای رسمی از ژائو هاولتز، رئیس وقت فیفا، در سال ۱۹۸۶ به رئیس کونکاکاف دیده می‌شود که در آن درخواست انتقال ۲۵ هزار دلار به یک وکالتور، رئیس وقت فدراسیون فوتبال ترینیداد و توباگو، برای حل مشکلات مالی آن فدراسیون مطرح شده است. بوستامانته درباره انگیزه

خبر

توافق نهایی با سرمربی محبوب

کلوپ در یک قدمی نیمت آلمان

اتحادیه فوتبال آلمان (DFB) اعلام کرد که در مذاکرات با یورگن کلوپ بر سر اصول و مفاد اصلی قرارداد سرمربیگری تیم ملی این کشور به توافق رسیده است و انتظار می‌رود این مربی ۵۹ ساله با قراردادی تا سال ۲۰۳۰ جانشین یولیان ناگلزمن شود. بر اساس بیانیه DFB، برنند نویندورف، رئیس اتحادیه فوتبال آلمان و هانس-یواخیم واتسکه، نایب‌رئیس این اتحادیه، روز گذشته در نیویورک نخستین دور مذاکرات جدی خود را با کلوپ برگزار کردند و درباره چهارچوب کلی قرارداد احتمالی به توافق رسیدند.

قرار است مذاکرات هفته آینده ادامه پیدا کند. اتحادیه فوتبال آلمان همچنین اعلام کرد هر دو طرف نسبت به نهایی شدن این توافق خوشبین هستند، اما این موضوع منوط به جلب رضایت کارفرمای فعلی کلوپ، شرکت ردبول، خواهد بود. در صورت توافق نهایی، قرارداد باید به تصویب هیأت نظارت و مجمع سهامداران DFB GmbH & Co. KG برسد. تیم ملی آلمان با یک بازی مانده به پایان مرحله گروهی صعود خود را قطعی و صدرنشینی گروه را تثبیت کرد، اما در دیدار پایانی برابر اکوادور شکست خورد و سپس در مرحله یک‌شانزدهم نهایی، در ضربات پنالتی مقابل پاراگوئه حذف شد. یولیان ناگلزمن بلافاصله پس از این حذف گفته بود: «من آن آدم‌هایی نیستم که فرار می‌کنند و دوست دارم به کار ادامه بدهم.» با این حال، اتحادیه فوتبال آلمان سوم ژوئیه اعلام کرد که همکاری با این سرمربی به پایان رسیده است.

در بیانیه DFB آمده است قرارداد ناگلزمن که تا پایان یورو ۲۰۲۸ اعتبار داشت، با اثر فوری فسخ شده و یورگن کلوپ نیز آژادگی اولیه خود را برای قبول هدایت مناشافت اعلام کرده است. کلوپ از پایان فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳، پس از ترک لیورپول، هدایت هیچ تیمی را بر عهده نداشته است. او در این مدت به عنوان مدیر فوتبال جهانی ردبول فعالیت کرده و همزمان در جریان جام جهانی به عنوان کارشناس تلویزیونی در آلمان حضور داشته است. سرمربی سابق لیورپول در طول مسابقات با اظهارنظرهایش خبرساز شد. او پیشنهاد کرده بود دنیز اوندو را به جای جمال موسیلا در ترکیب اصلی آلمان بازی کند و پس از انتقادها گفته بود: «فعلاً یولیان ناگلزمن تیم را انتخاب می‌کند و بازیکنان را به زمین می‌فرستد.» همین استفاده از واژه «فعلاً» واکنش‌هایی را از سوی لوتار ماتئوس، آندریاس مولر و اشتفان افتربرگ به دنبال داشت. کلوپ بعداً بابت این جمله عذرخواهی کرد و گفت: «بعد از گفتنش احساس کردم باید به خودم سیلی بزنم. اما دیگر دیر شده بود و حرم پخش شده بود. آن کلمه کاملاً اتفاقی از دهان بیرون آمد و هیچ منظوری پشت آن نبود. حالا می‌دانم که با وجود نزدیک شدن به ۵۹ سالگی، هنوز هم گاهی احمقانه حرف می‌زنم. ما کاملاً پشت تیم ملی هستیم و هرگز قصد نداشتیم آرامش تیم را به هم بزنیم.»

ستاره ۲۵ ساله آفریقای جنوبی درگذشت؛ مرگ یک رؤیا

در مجموع ۱۳۹ بازی برای استلنبوش انجام داد و در قهرمانی این تیم در جام کارلینک ناک‌اوت ۲۰۲۳ نقش داشت. این هافبک در ژانویه ۲۰۲۵ به ماملودی ساندونز پیوست. اتحادیه بازیکنان فوتبال آفریقای جنوبی نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «از درگذشت ناهنگام جیدن آدامز عمیقاً متأثر شده‌ایم. او به‌تازگی با پیراهن تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ از کشورش نمایندگی کرده بود و با افتخار و شایستگی برای آفریقای جنوبی به میدان رفت. این ضایعه، فقدانی بزرگ برای خانواده، هم‌تیمی‌ها، باشگاه‌هایش، جامعه فوتبال و تمام مردم کشور است.»

فرانسه گفت: «جزئیات این حادثه همچنان در دست بررسی است.» جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا، نیز با انتشار پیامی نوشت: «شنیدن خبر درگذشت جیدن آدامز، تنها چند هفته پس از حضورش در جام جهانی، بسیار غم‌انگیز است. این از طرف خودم، فیفا و خانواده فوتبال جهان، این ضایعه را به خانواده، دوستان و هم‌تیمی‌های او تسلیت می‌گویم. او یکی از ستاره‌های بافانا بافانا خواهد شد.» آدامز فوتبال خود را در آکادمی باشگاه استلنبوش آغاز کرد و نخستین بازیکنی بود که از آکادمی این باشگاه به تیم بزرگسالان رسید. او

بلکه میلیون‌ها هواداری که مسیر پیشرفت جیدن را از آکادمی تا تیم ملی دنبال کردند، در سوگ او هستند.»

ایهام در علت مرگ

وزیر ورزش آفریقای جنوبی جزئیاتی درباره علت درگذشت جیدن آدامز اعلام نکرد. پلیس این کشور نیز خبر داد پس از پیدا شدن جسد یک مرد ۲۵ ساله در خانه‌ای در منطقه شانسس‌کلووف، از محله‌های مرکزی کیپ‌تاون، صبح شنبه تحقیقات رسمی را آغاز کرده است. افسر ون وایک، سخنگوی پلیس کیپ غربی، به خبرگزاری

صفر برابر کره جنوبی نیز به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شد. اما در دیدار مرحله یک‌شانزدهم نهایی مقابل کانادا که با شکست یک بر صفر آفریقای جنوبی همراه بود، فرصت بازی پیدا نکرد. گایتون مکنزی، وزیر ورزش آفریقای جنوبی، با انتشار پیامی درگذشت این بازیکن را تسلیت گفت و اظهار داشت: «با شوک و اندوه فراوان خبر درگذشت جیدن آدامز، هافبک ماملودی آفریقای جنوبی حضور داشت. او در شکست ۲ بر صفر مقابل مکزیک و تساوی یک بر یک برابر جمهوری چک از ابتدا به میدان رفت و در هر دو مسابقه تعویض شد. این هافبک در پیروزی یک بر



عکس نوشت



شش اسطوره در یک قاب: سسک فابرکاس، آرسن ونگر، کافو، الساندرو دل پیرو و رونالدو نازاریو، شش نام افسانه‌ای فوتبال جهان، با هم از روی سکوها، دیدار حساس نروژ و انگلیس را تماشا کردند. تصویر این جمع ستارگان در کنار هم، در فضای مجازی وایرال شد و توجه همه را به خود جلب کرد. لحظه‌ای نادر که چند نسل از بزرگان فوتبال در یک قاب جاودانه شدند.



لیونل مسی پس از پایان دیدار آرژانتین مقابل سوئیس در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶، پیراهن خود را به روبرتو باجو، ستاره فراموش‌نشده فوتبال ایتالیا، اهدا کرد. مسی که همچنان یکی از نمادهای بزرگ فوتبال معاصر به شمار می‌رود، با اهدای پیراهن خود به باجو، احترامش را به یکی از اسطوره‌های تاریخ این رشته نشان داد. روبرتو باجو، برنده توپ طلای سال ۱۹۹۳ و یکی از محبوب‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال ایتالیا، جایگاه ویژه‌ای میان هواداران فوتبال داشته است. سسک بازی، تکنیک و شخصیت او با موهای دم‌اسبی‌اش باعث شده ناهش در کنار بزرگترین ستاره‌های تاریخ فوتبال قرار بگیرد.



سیدنی لوپس کابیرال، ملی‌پوش کیپ‌ورد، پس از درخشش در جام جهانی گفت: «سه سال پیش در دسته پنجم آلمان بازی می‌کردم، ماهی حدود هزار یورو درآمد داشتم و با مشکلات مالی زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کردم. حتی مجبور بودم از کیسه‌های زباله به‌جای پرده استفاده کنم. ترکیه را انتخاب کردم چون لیگ بسیار رقابتی دارد، فرهنگ این کشور را دوست دارم و مثل هر فوتبالیستی، مسائل مالی هم برایم اهمیت دارد. بابت این فرصت شکرزارم و تا زمانی که این پیراهن را بر تن داشته باشم، با تمام وجود بازی خواهم کرد.»